

شرق

روزنامه

بازی کودکان افغان در کابل / Reuters-Mohammad Ismail



بازی کودکان افغان در کابل / Reuters-Mohammad Ismail

به یاد حسن توفیق

قوت لایموت طنز

غلامرضا کیانی‌رشید . طنز نویس و کاریکاتوربست

حسن توفیق از بنیان‌گذاران روزنامه توفیق و صاحب‌امتیاز، مدیر و کاریکاتوریست آن، یازدهم خردادماه در ساعت سه بعدازظهر به‌علت ایست قلبی در بیمارستان آسیا چشم از جهان فروبست. حسن توفیق متولد دهم اسفند ۱۳۰۵خورشیدی، بزرگ‌شده محله‌های پاچنار و امیریه تهران است. تحصیلات ابتدایی را در دبستان مولوی و دوره اول متوسطه را در دارالفنون و دوره دوم متوسطه را در دبیرستان دارایی گذراند.

حسن توفیق در سال‌های متمادی از تلاش برای رشد و اعتلای جامعه مطبوعاتی دریغ نکرد و در سال‌های انتشار توفیق برای توسعه هرچه بیشتر به آموزش و تربیت در زمینه طنز و کاریکاتور پرداخت. او همچنین اقدام به تأسیس نخستین کلاس آموزش کاریکاتور در ایران کرد. حسن توفیق که از وکلای میرز دادگستری و نویسنده و یک کاریکاتوریست هنرمند بود، صفحات «توفیق» بهترین معرف ذوق و قریحه سرشار آثار فکری و قلمی اوست. مرحوم «حسن توفیق» همراه با برادرانشان زنده‌یاد «حسین توفیق» و دکتر «عباس توفیق» در کنار بسیاری از نویسندگان و شعرای فکاهی‌نویس کشور، مجله توفیق را اداره می‌کرد. او برای

گزارش

ای کاش فقط از کرونا می‌شنیدیم

شکوفه موسوی . روان‌شناس

عوامل محیطی، خانواده و سبک والدگری است. نوزاد، سرشت دشوار را از والدین خود به ارث می‌برد، پس احتمال دارد همان والدی که سرشت دشوار را منتقل کرده، روش‌های خشن‌تری در والدگری داشته باشد. بنابراین مسئله مهارت‌های ضروری برای زندگی، در والدین (یا لایال یک والد) وجود ندارد و بنابراین به کودک هم آموخته نمی‌شود؛ مهارت‌هایی مثل ارتباط، همدلی، کنترل خشم، کنترل اضطراب، اعتمادبه‌نفس، روش‌های حل مسئله و تفکر نقاد. حال خانواده‌ای را تصور کنیم که یک یا هر دو والد سرشت دشوار داشته باشند و فاقد این مهارت‌ها باشند و بخواهند کودک دشوار خود را پرورش دهند. اما این پایان مشکلات نیست. بسیاری از اوقات، اعضای خانواده، چه والدین و چه فرزندان، ممکن است مبتلا به اختلالات جدی مثل اختلال نقص توجه- بیش‌فعالی یا اختلال خلقی باشند. داستان ادامه دارد، حال فرزند به سن بلوغ می‌رسد و با مهارت‌های ناپایز فردی و حمایت‌های ضعیف خانوادگی روبروری نیروی عظیم بلوغ و تمینات جسمی قرار می‌گیرد. هنوز داستان پایان نیافته، نوجوان در خلأ زندگی نمی‌کند و هردقر آسیب‌پذیرتر باشد، احتمال اینکه قربانی افراد سوءاستفاده‌گر قرار گیرد بیشتر است، یعنی نوجوان در دنیای ناشناخته خود گیج می‌خورد و والدینی ندارد که به کمکش بشتابند. پنهان‌کاری به‌خاطر ندانم‌کاری و ترس، مسیر را قدم‌به‌قدم به سمت فاجعه می‌برد. اینجا تیر خلاصی هم هست؛ باورها و تعصبات کور؛ همان‌هایی که هیچ‌گاه از پستوهای تاریک تعصب، راهی به سوی روشنایی حقلانیت نکشوده‌اند. آخرین قطعه جورچین، داسی است که بر گردن دلبند فرود می‌آید و جای زخمش بر دل همکان می‌نشیند.

دلیل در نوع مرگ بود. تحمل سوگ در بلایای طبیعی دردناک است، اما وقتی عامل انسانی باشد، ولو تصادفی، دردناک‌تر می‌شود. دردناک‌ترین موقعیت را عامل عمدی، انسانی رقم می‌زند و اگر این عامل از نزدیکان باشد، شدت فاجعه بسیار بالاست که از سویی ممکن است جمعیت بسیار زیادی را تحت‌تأثیر قرار دهد و از سویی دیگر دردش تسکین نیابد و خاطره‌اش خاموشی نگیرد.

پیش‌بینی و پیشگیری

این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان وقوع یک فاجعه را پیش‌بینی کرد؟ آیا می‌توان به پیشگیری امید داشت؟ برای پاسخ باید عوامل خطر و محافظت را بشناسیم و مروری بر عوامل روان‌شناختی داشته باشیم. نوزادان با سرشت‌های متفاوت به دنیا می‌آیند؛ آسان، معمولی و دشوار. همین سنگ بنای تعامل آنان با دنیای بیرونی است. تعامل با نوزاد آسان، رضایت‌بخش و راضی‌کننده است و با نوزاد دشوار برعکس. از همین‌جاست که می‌توان عوامل خطر را پیش‌بینی کرد؛ مثل مقابله‌جویی و لجبازی، ناسازگاری، تکانش‌گری، عدم کنترل خشم و پرخاشگری. این تعامل بین سرشت و عوامل محیطی است که طیف گسترده خصوصیات رفتاری و بعد منش‌های شخصیتی را ایجاد می‌کنند. از مهم‌ترین

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۹ ● ۱۰ شوال ۱۴۴۱ ● ۲ ژوئن ۲۰۲۰ سال هفدهم ● شماره ۳۷۳۴ ● ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ ● اذان مغرب ۲۰:۳۷ اذان صبح فردا ۴:۰۵ ● طلوع آفتاب ۵:۴۹

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

نور نوشت

فیلمی برابیم فرستاد از شادی پزشکیانی که مداوای چندین بیمار کرونایی افغان و تاجیک را با موفقیت به پایان رسانده بودند. بیمارهای افغان روانه کشورشان شده بودند و رویوش سفیدها بدون ماسک و خوشحال از پایان یک دوره سخت دست می‌زدند. اما هم‌زمان خبر می‌رسد که تعداد مبتلایان به کرونا در کشور تاجیک افزایش یافته است. این فیلم را یکی از آشنایان فرستاده بود که از او درباره کرونا در تاجیکستان پرسیده بودم. ۳۰ آوریل بود که نخستین بیمار در تاجیکستان شناسایی شد و پنجم می بود که دولت این کشور پذیرفت این بیماری به تاجیکستان رسیده است. گسترش ویروس کرونا اتفاقی بود که از اواخر پاییز سال قبل بسیاری از کشورهای جهان را درگیر کرد و هنوز عوارض آن پایان نیافته است. اتفاقی که ۱۸۷ کشور جهان هرکدام گزارشی از آن دادند اما چند کشور مانند کره شمالی، یمن و شش کشور آفریقایی نظیر برونو، لسوتو، جزایر کومور و... یا به لطف خدا با عدم رفت‌وآمد، خود را مصون از این همه‌گیری دانستند؛ یکی از کشورها نیز تاجیکستان بود اما واقعا چه شده بود که در این کشور خبری از کرونا نبود و خیلی بعدتر از دیگر کشورها از ابتلا اطلاع‌رسانی شد. تا چند روز پیش حدود چهار هزار مبتلا در این کشور ۹ میلیونی شناسایی شد و حدود ۵۰ کشته اعلام شد. هرچند در مقایسه با شبکه‌های اجتماعی و آگهی‌های ترحیم و تسلیت این تعداد خیلی کمی به نظر می‌رسد، افراد سرشناس این کشور مانند پروفیسور بحرالدین کمال‌الدیف، زبان‌شناس تاجیک و دخترش گلناره، روح‌الله حکیم‌زاده، رئیس پیشین امانت‌بانک و پسرش کرامت‌الله، خیری نظرووا و سوری‌نسا سبزی‌علویا، هنرپیشکان تئاتر و سینما جزء فهرست کشته‌شدگان هستند.
آشنایم در شهر دوشنبه که علاقه‌ای به بیان نامش نداشت و معتقد بود شرایط شهر و کشورش مساعد است و حتی اعتقاد داشت که کاش این روند عدم اعلام گسترش بیماری ادامه داشت تا هم هوطنان و دوستانش دچار اضطراب و نگرانی نشوند، می‌گوید: «خیلی از مریض‌ها در خانه‌شان تحت درمان قرار می‌گیرند، یعنی از داروهای مخصوص سرماخوردگی استفاده می‌کنند و در یک هفته خوب می‌شوند». او می‌گوید از وقتی سازمان بهداشت جهانی فشار آورد که اعلام شود، مردم ترسیدند و به تحرک افتادند؛ مردمی که شاید پیش‌تر نسبت به دردهای خود بی‌توجه بودند اما اکنون حتی اگر پایشان هم درد می‌گیرد، به بیمارستان می‌روند و حتی وقتی پزشک اصرار می‌کند که شما کرونا ندارید، با او دعوا می‌کنند

و پرخاش می‌کنند و اصرار دارند در بیمارستان بستری شوند. باین‌حال تعداد کمی هستند که در روزهای اول بسیار ترسیده بودند، اما اکنون آرامش بیشتری دارند. این بیماری از شهر «خجند» تاجیکستان به سراسر کشور شیوع پیدا کرده است و مردی که فروشنده «تورکیاب» در جاده شمال تاجیکستان بوده، پس از بازگشت از عروسی در ازبکستان، پس از یک هفته، بیماری را در و همسرش خودش را نشان می‌دهد و هدای غیر از

تجربه دیگران

لاله و کرونا در تاجیکستان

هلیا آبادی

خودش و همسرش نیز می‌میرند. او درباره چگونگی اوضاع و احوال و مقررات قرنطینه در دوشنبه می‌گوید: «پیش از اعلام هم همه‌جا را ضدعفونی می‌کردند. ما مترو نداریم اما مینی‌بوس‌ها شسته می‌شوند. یک پزشک ایرانی با عنوان علوی در تلویزیون درباره این بیماری توضیح می‌دهد و می‌گوید مردم ترسند و اطمینان می‌دهد ۸۵ درصد در خانه خوب می‌شوند. شب‌ها خیابان‌ها ضدعفونی می‌شود و تا آخر ماه می قرنطینه دولت ادامه دارد. باغچه کودکان تعطیل است. اکنون بسیاری خودشان علاقه‌ای ندارند که مراسم عروسی و جشن بگیرند یا دور هم جمع شوند و در عزاداری‌ها هم عده‌ای کمی کنار هم با فاصله قرار می‌گیرند. دو، سه بازار معروف لباس هم هست که تعطیل شده است». او در دفاع از عملکرد دولت می‌گوید: «طبق دستور رئیس‌جمهور کارخانه‌ها تغییر کاربری داده‌اند و ماسک و الکل در چند شیفت تولید می‌کنند. ما کمبودی از نظر مقدار وسایل ضدعفونی‌کننده احساس نمی‌کنیم؛ در هر داروخانه چندین نوع ماده ضدعفونی‌کننده و ماسک وجود دارد، حتی یکی از کارخانه‌ها در خجند با ایتالیا قراردادی بسته است که ۱۲ میلیون ماسک برای این کشور تهیه و صادر کند. ما به‌زودی از این بحران عبور می‌کنیم. تاجیکستان هوای تمیزی دارد و کشور ما کوهسار است، ما بلندتر از دریا هستیم و آفتاب با فرق دارد. درختان شهر ما (دوشنبه) ۴۰،۳۰ ساله هستند و می‌توانند با تولید اکسیژن هوا را تمیز کنند». این نگاه مثبت به شرایط و امتناع از بیان نامش در گزارش زمانی معنی پیدا می‌کند که مروری بر روند سیاست در کشور تاجیک و حال‌وهوای آن داشته باشیم. شاید بیشتر ما بدانیم که امامعلی رحمانوف از سال ۹۴ و بعد از فروپاشی شوروی، ریاست‌جمهوری و رهبر شورای عالی این کشور را بر عهده گرفت و بعد از مدتی پسوند روسی نامش را حذف کرد و با عنوان امامعلی رحمان توانست ریاست‌جمهوری‌اش را تا پایان امسال تمدید کند و درعین‌حال قصد دارد روند به شکلی پیش رود که ریاست‌جمهوری فرزندش فراهم شود و پس از او بر این کرسی تکیه بزند. او حتی شهردار دوشنبه را عزل کرد و فرزندش رستم امامعلی را به شهرداری انتخاب کرده این دوست با خرسندی از شرایط جدید شهرش می‌گوید: «شهر دوشنبه از قدیم سرسبز و خرم بود، اما در این دو سه سال آخر که رئیس شهر عوض شد، خیلی تمیز و سرسبز و آباد شده و سیمای شهر عوض شده است. بناهای بلند و قشنگ زیاد شده و به‌تازگی یک میلیون دلار صرف نشاندن درخت شده است. یک میلیون گل لاله کاشته شده است، هرچند امسال دوشنبه بااین‌حال تعداد کمی هستند که در روزهای اول توانستند از آن بازدید کنند. همین‌طور شهرداری در شهر دوشنبه ساختن ساختمان بیمارستان مخصوص کرونا را با سه هزار تخت یا جای شروع کردند». او درباره میزان کمک‌های کشورهای دیگر به تاجیکستان که در رسانه‌های کشورش اعلام شده هم می‌گوید مثلا کمک میلیون و ۳۰۰ هزار دلار برای بانک جهانی.

دغدغه‌های یک آموزگار

رومینا و مسئولیت فرهنگی!

سرگردان در جهان آیل‌ها و سامسونگ‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای و ... در فرهنگ‌سازی و نوگرایی فرهنگی- اجتماعی چه اندازه است؟ واقعا نقش مردم در این آشفته‌بازار فرهنگی چقدر است؟ اما پرسش دوم این است که نقش دولت دراین‌باره چیست؟ در جهان کنونی، دولت‌ها دو وظیفه ذاتی دارند؛ یکی آموزش و دیگری بهداشت و درمان. به تأکید فراوان در کتاب‌های فلسفه آموزش و پرورش، یکی از بنیادی‌ترین هدف‌های آموزش، انتقال فرهنگ گذشته و بهسازی و به‌روزرسانی آن است. دولت به‌عنوان بالاترین رکن اجرایی کشور باید در پی فرهنگ‌سازی و بهسازی آن، متناسب با نیازهای زمانه باشد؛ اصلا همه امکانات مادی و غیرمادی در دست آنان است تا به چنین نیازهایی پاسخ دهند. پدر رومینا باید در مدرسه و پیش از ریاضی و علوم و ... یا دست‌کم کنار اینها، مراحل رشد فرزندش را می‌آموخت و در همین کلاس‌ها سده‌های گذشته و مرد و کودک و دختر و پسر و نیازهای آنها را یاد می‌گرفت و درک می‌کرد که بچهاش، هم فرزند اوست و هم فرزند جامعه. او باید در کتاب درسی و کلاس درس «نه»

گفتن را یاد می‌گرفت؛ هم در برابر افراد و هم در برابر فرهنگی که هراس بی‌آبرویی و بی‌غیرتی در آن، داس را به چنگ گردن تحیف رومینا فرستاد. خدای رومینا باید در مدرسه می‌آموخت که در برابر مردش، حقوقی دارد و نباید هر مردی را تحمل کرد؛ مادری که احتمالا زخم‌های فراوانی از داس شوهر بر تن دارد؛ رومینا باید اطمینان می‌داشت که ساختاری در جامعه وجود دارد که از او در برابر پدری بیمار، خواستگاری می‌بالات و مصادری رنجور دفاع خواهد کرد... زمان آن رسیده است که دست از دیوار کوتاه مردم و جامعه و فرهنگ برداریم و توپ را به زمین دست‌اندرکاران بیندازیم. آقایان و خانم‌های نماینده، ما امروز نیازمند قانون‌های مؤثر و فرهنگ‌ساز در دفاع از کودکانیم. دست‌اندرکاران قوه قضائیه، ما امروز چشم‌به‌راه نگاه ویژه شما به حقوق زنان و کودکان و اطمینان‌دادن به شهروندان برقی یا پشتیبانی از آنها هستیم. آقایان سیاست‌مدار، امروز مسئولیت فرهنگ‌سازی با شماست؛ شماپی که همه امکانات را در دست دارید، نه ما شهروندان گرفتار در پیچ‌وخم‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی. نه امروز، نه فردا و نه هرگز، هیچ بهانه‌ای پذیرفته نیست!

دغدغه‌های طبیبانه

هم‌زیستی با یک بیماری تهدیدکننده



چند روز اولی که چین درگیر بیماری کووید-۱۹ شد، به‌عنوان یک پزشک چندان احساس خطر نمی‌کردم. در آن گوشه دنیا یک بیماری عفونی آمده بود و فکر می‌کردم مثل بسیاری دیگر از بیماری‌های عفونی کنترل خواهد شد. بعد از چند روز خبر رسید که سروکله این ویروس در ایران نیز پیدا شده است. برابر یکی از همکاران ما در قم به دلیل ابتلا به همین بیماری فوت می‌کند. بعد از اینکه اولین بیمار گزارش شد، به‌سرعت از جاهای دیگر کشور نیز گزارش‌های متعددی از ابتلا آمد و ناگهان و با سرعتی باورنکردنی متوجه شدیم که با خطری بزرگ روبه‌رو هستیم؛ با چیزی که اصلا اطلاعی از آن نداشتیم. اما ایسن اطلاعات و درک نامتنااسب از شرایط هر روز رور ادامه یافت. با خودمان گفتیم که کووید-۱۹ چند ماهی هست و بعد می‌رود، اما نرفت. گفتیم با گرم‌شدن هوا امکان دارد که مثل خیلی دیگر از ویروس‌های دیگر میزان ابتلا کاهش یابد. ناگهان در اوج گرما در خوزستان با آمار افزایش‌یابنده بیماری روبه‌رو شدیم. گفتیم با همین قرنطینه نصف‌ونیمه و فاصله‌گذاری هوشمند و... از بین می‌رود. از بین نرفت. واکنش هم ساخته نشد. بعد هم فهمیدیم اگر واکنسنش هم ساخته شود، تا همه نزنند مصونیت ایجاد نمی‌شود. خلاصه حالا به جایی رسیده‌ایم که بنا بر گفته سازمان بهداشت جهانی، ممکن است ویروس کرونا برای همیشه با ما باشد و ما باید با آن هم‌زیستی کرده و نحوه زندگی با آن را بیاموزیم، اما این هم‌زیستی اصلا هم‌زیستی‌ای عادی نیست. نوع بشر از میلیون‌ها سال قبل زمانی که سرده هومو به وجود آمد، با دشمنان خود هم‌زیستی داشته است. یک انسان می‌توانست طعمه درندگان باشد. پس باید یاد می‌گرفت که چگونه در فضای مخاطره‌آمیز آن روزگار زندگی کند. یکی از مهم‌ترین راه‌حل‌ها برای مقابله با این خطرات، زندگی اجتماعی بود و چه‌بسا خطراتی که در طبیعت انسان را تهدید می‌کرد در تکامل اجتماعی او دخیل بوده، اما حالا به نظر می‌رسد که همه چیز تغییر کرده است، ما در حالی باید به هم‌زیستی با ویروس کرونا عادت کنیم که هرگونه زندگی اجتماعی عملا تهدیدی برای ما محسوب می‌شود. همین روزها می‌توانیم نگرانی خیلی‌ها را از وضعیتی که در جامعه مشاهده می‌کنیم احساس کنیم. وقتی بیرون می‌رویم و می‌بینیم که هیچ‌کس نکات بهداشتی را رعایت نمی‌کند، تنها چیزی که به ذهنمان می‌رسد خطری است که هر روز از جانب یک دشمن بسیار کوچک نامرئی با ما تهدید می‌کند. این هم‌زیستی به نظر می‌رسد تا تمام هم‌زیستی‌های دیگر تفاوت دارد. هرچندگاهی اوج می‌گیرد و در این اوج‌گیری قربانیانی خواهد داشت و اگر شانس بیاوریم و واکنس آن تهیه شود یا دارویی برای مقابله با آن ساخته شود و اگر این واکنس و دارو در اختیار همه قرار بگیرد، در آن صورت صرفا از این آمار کاهش خواهد شد. این در حالی است که همین روزها صحبت از بودجه بسیار بالایی می‌شود که هر دولت باید برای تولید واکنسن احتمالی بپردازد. حتی در صورت آمدن واکنسن و دارو نیز اقتصادها تحت فشار مضاعف قرار خواهند گرفت و این‌همه به این شرط است که عدالت توزیع، رعایت شده و دارو و تکنیک آن در دسترس همه قرار گیرد. اما این هم‌زیستی تهدیدکننده کاملا نیز تهدیدکننده نیست. گفتیم که زندگی اجتماعی می‌تواند در شرایط فعلی مخاطره‌آمیز باشد، ولی انسان‌ها در این هجمه می‌توانند به درجه‌ای بالاتر از زندگی اجتماعی برسند؛ به یک همبستگی و همدلی اجتماعی. چیزی که به‌عنوان یکی از خصوصیات انسان هیچ‌گاه در تمام نهادهای نشده و حالا همین طبیعت فرصتی برای این تعالی در اختیار ما قرار داده است. متأسفانه چشم‌اندازی از این تعالی دیده نمی‌شود. همه در لاک خود خیزده‌اند و دولت‌مردان بزرگ به‌جای دیدن مشکل در ابعاد جهانی و تبدیل به فرصتی برای بهترشدن گونه انسان صرفا به فکر حفظ خود و جامعه خود هستند. انکار به‌جای پیشرفت به‌سوی همبستگی اجتماعی، یک عقب‌گرد تاریخی کرده‌ایم و به دوران قبیله‌نشین بازگشته‌ایم. هر کس حافظ قبیله خود است. کسی دلش برای دیگری نمی‌سوزد. امیدوارم بشریت به خودش بیاید و به تکاملی بالاتر برسد. فقط در این صورت است که می‌توانیم از این بحران و بحران‌های بعدی عبور کنیم.

پیشنخوان

نبرد با بحران معیشت

دومین شماره از سری جدید هفته‌نامه آتیه نو منتشر شد «نبرد تأمین اجتماعی با بحران معیشت» عنوان گزارشی است که به ماجرای تکامل دریافت وام برای پرداخت حقوق بازنشستگان از سوی تأمین اجتماعی می‌پردازد و با علی دهقان‌کیا رئیس کانون کارگران بازنشستگان تأمین اجتماعی تهران در این‌باره گفت‌وگو شده است. آتیه نو در این شماره با دکتر علیر حیدری، نایب‌رئیس هیئت‌مدیره سازمان تأمین اجتماعی گفت‌وگویی تفصیلی منتشر کرده است. «کرونا و سونامی فقر» عنوان چکیده‌ای از گزارش‌های بین‌المللی است که شرایط اقتصادی جهان را پس از شیوع بیماری کووید ۱۹ بسیار آشفته ارزیابی می‌کنند. مخاطبان می‌توانند علاوه بر نسخه چاپی، از طریق وب‌سایت http:// atiyehno. ir/ به صورت آنلاین مطالعه کنند.